DOI: 10.22034/mral.2026.2083800.1780

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸

نقش خیارات در انحلال قراردادهای الکترونیکی در نظام حقوق اداری ایران

حسن امیر قاسمی،[۱] احمد یوسفی صادق لو،[۲] مجتبی اصغریان[۳]

چکیده

انحلال قرارداد به معنای زوال رابطه حقوقی ناشی از یک عقد صحیح و نافذ است که می‌تواند به تراضی طرفین، اراده یک‌جانبه یا حکم قانون تحقق یابد. این مفهوم از بطلان متمایز است، زیرا در بطلان، اساساً عقدی شکل نمی‌گیرد، در حالی‌که در انحلال، عقدی معتبر به سبب لاحق از بین می‌رود. در نظام حقوق اداری ایران، هرچند قراردادهای اداری از حیث مبانی کلی تابع قواعد عمومی قراردادها هستند، اما به دلیل حضور شخص حقوق عمومی و حاکمیت اصل تأمین منفعت عمومی، انحلال این قراردادها واجد ویژگی‌های خاصی است. این وضعیت در قراردادهای الکترونیکی اداری نیز صادق است؛ قراردادهایی که بستر انعقاد آن‌ها دیجیتال است، اما از حیث ماهیت حقوقی تابع اصول سنتی حقوق قراردادها بوده و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ نیز بر اعمال این قواعد تأکید دارد.در میان اسباب انحلال، **خیارات** به‌عنوان مهم‌ترین مبنای فسخ، نقش برجسته‌ای در برهم‌زدن قراردادهای الکترونیکی اداری ایفا می‌کنند. اگرچه برخی خیارات سنتی مانند خیار مجلس به‌سبب فقدان مجلس فیزیکی در محیط برخط کارایی عملی محدودی دارند، اما سایر خیارات از جمله خیار عیب، خیار تدلیس، خیار تخلف شرط و خیار تخلف وصف، در بستر الکترونیکی مصادیق گسترده‌تری یافته‌اند؛ به‌ویژه با توجه به اتکای این قراردادها بر داده‌ها، توصیف‌های دیجیتالی و اعتماد به اطلاعات ارائه‌شده در سامانه‌های الکترونیکی. افزون بر این، حق انصراف هفت‌روزه مندرج در ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی را می‌توان نمونه‌ای از خیار قانونی نوین دانست که با هدف حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد در فضای دیجیتال پیش‌بینی شده و از حیث کارکرد، در راستای تکمیل نهادهای سنتی خیارات قرار می‌گیرد.با این حال، اعمال خیارات در قراردادهای

۱. دانشجو دکتری، گروه حقوق، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. Hassan.amirghasemi@iau.ir

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، yousefi@srbiau.ac.ir

۳. استاد یار، گروه حقوق ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، mailto:Asgharian@khu.ac.ir

الکترونیکی اداری با چالش‌هایی همچون دشواری اثبات عیوب و تدلیس در محیط دیجیتال، امکان تغییر محتوای وب‌سایت‌ها، مسائل مربوط به ادله الکترونیکی، و ابهام در مفاهیمی نظیر زمان و مجلس عقد در فضای مجازی مواجه است. بررسی این مسائل نشان می‌دهد که هرچند ماهیت حقوقی خیارات دستخوش تغییر نشده، اما شیوه اجرا و اثبات آن‌ها نیازمند تفسیر نوین و انطباق با فناوری‌های ارتباطی است. در نهایت، خیارات در قراردادهای الکترونیکی اداری ابزاری اساسی برای برقراری تعادل قراردادی، حمایت از حقوق طرفین و تضمین عدالت معاوضی محسوب می‌شوند و قانون‌گذار با توسعه نهادهایی مانند حق انصراف، گامی در جهت همگرایی قواعد سنتی فقهی با الزامات حقوق اداری و تجارت الکترونیکی برداشته است.

واژگان کلیدی: انحلال قرارداد، خیار، فسخ، اقاله، انفساخ، قرارداد الکترونیکی، حق انصراف، قانون تجارت الکترونیکی.

گفتار نخست. کلیات

هرگاه قراردادی اداری که واجد تمام شرایط اساسی صحت عقود بوده منعقد گردد و به‌اصطلاح قراردادی معتبر و نافذ باشد، موجودیت حقوقی خود را از دست بدهد قرارداد ، منحل می‌گردد مثلاً در قراردادهای کاری با استعفا کارمند، قراردادی که به شکل صحیح منعقد گردیده بوده با طی مراحل قانونی حاکم بر قرارداد استخدام منحل شده و آثار حقوقی آن نیز تغییر می‌کند. حتی اگر طرفین قرارداد عدم رضایت خود را از تداوم رابطه قراردادی نشان دهند جهت انحلال قرارداد باید این اراده ابراز شود.

شایان توجه است که انحلال قرارداد مفهومی متفاوت از بطلان قرارداد است و این دو را نباید مفاهیم یکسانی تلقی کرد. منظور از قرارداد باطل قراردادی است که از ابتدا از شرایطی که برای اعتبار و نفوذ حقوقی قرارداد لازم و ضروری شناخته می‌شود برخوردار نیست مثلاً قرارداد برای یک هدف نامشروع منعقد شده باشد در چنین شرایطی اصولاً قراردادی شکل نگرفته که با انحلال مواجه گردد، قانون در این وضعیت از توصیف بطلان قرارداد بهره می‌برد.

گسترش دولت الکترونیک و استفاده فزاینده نهادهای اداری از بسترهای دیجیتال برای انعقاد قراردادها، موجب شکل‌گیری نوعی از روابط قراردادی شده است که در عین تبعیت از اصول سنتی حقوق قراردادها، با ویژگی‌های فنی و حقوقی نوینی مواجه است. قراردادهای الکترونیکی اداری، از یک سو ماهیت قراردادی داشته و در چارچوب قواعد عمومی معاملات قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، به دلیل حضور شخص حقوق عمومی و حاکمیت اصل تأمین منفعت عمومی، تابع الزامات خاص حقوق اداری‌اند. این دوگانگی، به‌ویژه در مرحله انحلال قرارداد، مسائل نظری و عملی قابل توجهی ایجاد می‌کند.

در حقوق ایران، انحلال قراردادهای صحیح عمدتاً از طریق اقاله، فسخ و انفساخ تحقق می‌یابد و **خیارات** به‌عنوان مهم‌ترین مبنای فسخ، نقش اساسی در برهم‌زدن رابطه قراردادی دارند. این نهاد ریشه در فقه امامیه داشته و در قانون مدنی به‌صورت منسجم پیش‌بینی شده است. با این حال، انتقال روابط قراردادی به محیط الکترونیکی، پرسش‌های تازه‌ای درباره قابلیت اعمال، حدود و شیوه اجرای خیارات ایجاد کرده است. برای نمونه، مفاهیمی مانند مجلس عقد، رؤیت مورد معامله، توصیف کالا یا خدمت، عیب، تدلیس و تخلف از شرط، در فضای مجازی صورتی متفاوت می‌یابند و اثبات آن‌ها وابسته به داده‌های دیجیتال و ادله الکترونیکی می‌شود.

مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که این قراردادها در حوزه حقوق اداری منعقد می‌گردند؛ جایی که اصل حاکمیت اراده با اقتضائاتی همچون برتری منافع عمومی، اختیارات حاکمیتی دستگاه اداری، و لزوم استمرار خدمات عمومی محدود می‌شود. در چنین بستری این پرسش اساسی مطرح است که **آیا خیارات به همان صورت سنتی خود در قراردادهای الکترونیکی اداری قابل اعمال‌اند، یا اقتضائات حقوق اداری و ویژگی‌های فنی محیط دیجیتال، دایره و آثار آن‌ها را دگرگون می‌کند؟** همچنین باید روشن شود که جایگاه نهادهایی مانند حق انصراف مندرج در قانون تجارت الکترونیکی در کنار خیارات فقهی-مدنی چیست و چه نسبتی با اختیارات فسخ یک‌جانبه دستگاه‌های اداری دارد.

از سوی دیگر، خلأ تصریح قانونی در خصوص نحوه اعمال خیارات در بستر الکترونیکی اداری، مشکلات عملی متعددی در زمینه اثبات عیب، تدلیس یا تخلف شرط، تعیین زمان تحقق فسخ، اعتبار اسناد و امضاهای الکترونیکی و امکان تغییر داده‌های قراردادی ایجاد کرده است. نبود رویه قضایی منسجم و ادبیات حقوقی کافی در این حوزه، ضرورت بررسی تحلیلی و نظام‌مند نقش خیارات در انحلال قراردادهای الکترونیکی اداری را دوچندان می‌کند.

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که جایگاه، کارکرد و حدود اعمال خیارات در انحلال قراردادهای الکترونیکی در نظام حقوق اداری ایران چیست و چگونه می‌توان میان قواعد سنتی خیارات، الزامات فناوری اطلاعات و اصول حاکم بر قراردادهای اداری، هماهنگی و تفسیر منسجم ایجاد کرد.

انحلال به تراضی، یعنی تراضی طرفین عقد یا قائم مقام آنها برای بر هم زدن و قطع آثار آن. انحلال به تراضی در حقوق ایران به « اقاله » معروف است (ماده ۲۱۹ ق.م.)؛ و در فقه به آن تفاسخ می گویند. پس از عقد طرفین با تراضی یکدیگر، به وسیله اقاله گره بسته شده را باز و انحلال عقد را جداگانه انشاء می نمایند. اثر این انحلال از زمان اقاله و ناظر به آینده است. با توجه به مبنای اقاله، که حکومت اراده می باشد و نص قانون مدنی، تمام عقود لازم را می توان با تراضی اقاله و منحل کرد؛ به غیر از عقد نکاح و عقد وقف، که اقاله در آنها راه ندارد.قانونگذار ایران در بند دوم ماده ۲۶۴ ق.م. اقاله را در زمره اسباب سقوط تعهدات، آورده است. و در مواد ۲۱۹ و ۲۸۳ ق.م.، اقاله را به عنوان یکی از اسباب انحلال عقد

لازم معرفی کرده است. علاوه بر اینکه اقاله سبب سقوط تعهدات و انحلال قرارداد می باشد؛ وسیله قطع آثار تعهدات و قراردادی که ایفا و اجرا شده، نیز می باشد.[۱] بنابراین، به نظر می رسد، اقاله دامنه گسترده ای دارد که در ذیل یک عنوان نمی گنجد و نمی توان جایگاه آن را محدود به یک عنوان کرد.

تصمیم یک طرف قرارداد؛ قراردادها ممکن است با اراده‌ی یکی از طرفین منحل شود که در این حالت موافقت طرف دیگر موردنیاز نبوده و قرارداد با اعلام اراده یک‌جانبه پایان می‌پذیرد. مثلاً هرگاه در قرارداد برای انجام تعهد مدتی شرط شود که در صورت انقضاء آن طرف ذینفع بین مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد مختار باشد. در برخی عقود امکان انحلال با تصمیم یک‌جانبه مستلزم تصریح است که به این حق انحلال اصطلاحاً خیار گفته می‌شود.[۲]

بند نخست. انواع انحلال قرارداد الکترونیک

قراردادها به دو صورت انحلال می یابند یا بصورت ارادی و یا بصورت غیر ارادی که به شرح ذیل می باشد.

الف- انحلال ارادی قرارداد های الکترونیک

انحلال ارادی قراردادی در طرق زیر متصور است :

۱- اقاله

بعد از انعقاد قرارداد طرفین امکان بازگرداندن عقد به حالت قبل از وقوع را ندارند مگر اینکه از نظر قانونی چنین حقی به آنها داده شده باشد. این حق قانونی در عقود جایز از اول وجود دارد و در مورد عقود لازم در شرایط خاصی امکان برهم زدن عقد وجود دارد. با این حال شرایط و دلائل برهم زدن کاملا استثنایی بوده و اصل لزوم بر قراردادها حاکم می باشد.[۳] عقود واقع شده از طریق سنتی و عقود الکترونیکی هر دو در این امر مشترک بوده و هیچکدام ویژگی خاصی نسبت به دیگری در این خصوص دارا نمی باشند. اقاله در لغت به معنای خلاص شدن از آن چیزی است که شخص درگیر آن شده همچنین به معنای رهایی نیز از آن یاد شده است. اقاله در ماده ۲۶۴ قانون مدنی

---

۱. باقری اصل، حیدر،انحلال قراردادهای خیاری،۱۳۹۸انتشارات مجد،چاپ اول، ص ۱۱۳.

۲. باقری اصل، حیدر، ۱۳۹۱ احکام عمومی فسخ عقود لازم، انتشارات تبریز، تبریز، چاپ اول، ص ۴۳.

۳. باقری اصل حیدر، پیشین، ۱۳۹۱، ص ۴۵.

در کنار سایر اسباب سقوط تعهدات ذکر شده است اقاله صرفا عامل انحلال و از بین رفتن عقد و به تبع آن تعهد نمی باشد بلکه دارای عنصر سازنده نیز می باشد چرا که در برخی موارد به ویژه بعد از انجام تعهدات عقد اصلی، به واسطه اقاله باید موضوع تعهد به جای اولیه خود بازگردد و طرفین به واسطه اقاله تعهد جدیدی را قبول می نمایند. این تمایز وقتی شدت می گیرد که موضوع عقد انتقال مالی باشد و به واسطه اقاله عقد دوباره به ملکیت بایع بر می گردد و سبب تملیک می گردد.

۲- فسخ

عنوان فسخ در لغت به معنای زیر آمده است: «زایل گردانیدن دست کسی از جایی، تباه گردانیدن رأی را، شکستن، جدا جدا کردن، ویران ساختن، کهنه و پاره شدن جامه و ...[۱] در فرهنگ دیگر فارسی، فسخ به معنای «بر هم زدن معامله و باطل کردن پیمان» آمده است: فسخ یک نوع فعل اعتباری و ذهنی است که به صورت یک طرفه واقع می‌شود. چنین عملی مطابق عموم مقررات و منابع فقهی موجود، عمل حقوقی محسوب و از نظر ماهیتی، نوع ایقاع است که با یک اراده انجام می‌پذیرد.[۲]

فسخ یکی از اسباب سقوط تعهدات و گونه‌ای از انحلال قرارداد می‌باشد انحلال قرارداد یا عقده گاه به تراضی طرفین انجام می‌یابد که آن را اقاله گویند. [۳]گاهی قهری و به حکم قانون است که انفساخ نام دارد و زمانی با ارائه یک طرف می‌باشد که همان فسخ است. با استفاده از مقررات قانون مدنی، فسخ را می‌توان چنین تعریف نمود: «فسخ عبارتست از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از دو طرف یا شخص ثالث». [۴]

در واقع انحلال به وسیله فسخ، یعنی یکی از طرفین قرارداد یا ثالث (در خیار شرط) با توجه به خیاری که به واسطه قرارداد یا قانون (مواد ۲۱۹ و ۳۹۶ ق.م.) به دست آورده، اختیار فسخ قرارداد را به دست می آورد؛ و با انشای جداگانه آن، قرارداد را منحل می نماید.

این گونه انحلال ارادی را در حقوق ایران و در فقه « فسخ » می نامند؛ و اختیاری را که یکی از طرفین

---

۱. (دهخدا، دهخدا، علی اکبر؛(۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا ، جلد ۱۰ .تهران ص۲۹۶)

۲. (آل کاشف الغطاء، علی بن جعفر؛(بیتا)، رساله فی الخیارات، چاپ سنگی، بی جا، شیخ احمد شیرازی ، ص۱۲۱.)

۳. (باقری اصل، جیدر ، پیشین ۱۳۹۱،،ص ۱۱۸.)

۴. (شهیدی، شهیدی، مهدی؛(۱۳۸۲)، اصول قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ص ۱۱۹)

یا ثالث (در خیار شرط) برای بر هم زدن عقد لازم به دست می آورد« خیار » می گویند. اثر این انحلال از تاریخ فسخ و ناظر به آینده است.

ب- شرایط فسخ

۱- قصد انشاء

از جمله شرایطی اصلی فسخ قصد انشاء است که در واقع با اراده ذوالخیار واقع می‌گردد. به بیان دیگر اعمال فسخ قرارداد مستلزم وجود قصد انشاء می‌باشد زیرا در زمره ایقاعات محسوب و به نوعی عمل حقوقی تلقی می‌شود. ذوالخیار باید انتفاء قرارداد را اراده کند و چنانچه به قصد شوخی یا سهواً فسخ قرارداد را اعمال نماید، عمل او موجب انحلال عقد نخواهد بود.

چنانچه حق یا عملی ایقاع محسوب گردد، لاجرم باید قصد انشاء را جزء ارکان آن به شمار آورد در غیر این صورت نباید آن را عمل حقوقی پنداشت. اصولاً هر ایقاعی باید با قصد انشاء اجرا شود تا منشأ اثر گردد و واضح است که فسخ نیز همانند دیگر ایقاعات باید با قصد انشاء اعمال و به مرحله اجرا گذارده شود والا هیچ تأثیری در انحلال عقد نخواهد داشت.

۲- رضا

رضایت فسخ کننده نیز از شرایط صحت فسخ است و فسخی که از روی اجبار و اکراه صورت گیرد باطل است چراکه بر خلاف اعمال حقوقی دو طرفه مانند و قراردادها، فقدان رضا در ایقاعات موجب بطلان آن می‌گردد نه عدم نفوذ به همین لحاظ، رضایت بعدی مکره در فسخ، سبب وقوع و تحقق آن نخواهد شد.[۱]

۳- اهلیت

صاحب خیار بدون داشتن اهلیت، قاعدتاً قادر به انحلال عقد نخواهد بود چراکه دارا بودن اهلیت استیفاء مطابق مدلول قسمت دوم ماده ۹۵۸ ق.م از شرایط لایتجزای اجرای حق می‌باشد. با وجود این چنان چه ذوالخیار بدون وجود اهلیت اقدام به اعمال حق فسخ خود نماید، عمل او کان لم یکن تلقی می‌شود. اهلیت اجرا، ویژگی و خصیصه‌ای است که هر شخص باید برای تصرف در حقوق و اموال خود، آن را دارا باشد. مهم آن است که ذیحق فسخ در زمان اجرای آن، دارای اهلیت باشد.

---

۱. باقری اصل، حیدر، پیشین ۱۳۹۱،ص ۴۹.

۴- وجود عقد

فسخ صرفاً در انحلال قراردادها کاربرد دارد.[۱] یعنی ایقاعات را نمی‌توان با فسخ منحل نمود. از این عبارات نباید نتیجه گرفت که خاتمه قرارداد صرفاً با عمل فسخ امکان پذیر است چراکه قرارداد؛ با اقاله انفساخ قانونی و یا رجوع و ایقاء تعهد نیز از هستی ساقط می‌گردد. لازم به ذکر است عقودی را می‌توان به واسطه حق فسخ منحل نمود که به نحو صحت ایجاد شده باشند و الا چنانچه عقد باطل باشد اساساً به آن عنوان عقد اطلاق نخواهد شد.

بند دوم. انحلال غیر ارادی قرارداد انحلال قهری (انفساخ)

اما در خصوص انحلال غیر قراردادی می توان بیان داشت که:

علاوه بر اینکه طرفین قرارداد می توانند عقد را منحل کرده و موقعیت خود را به حالت قبل از عقد اعاده نمایند وقوع برخی از اتفاقات خارج از اراده طرفین نیز باعث انحلال عقد می گردد. در مورد قراردادهای الکترونیکی نیز امکان اجرای این قواعد به طور کلی وجود دارد و نمی توان به دلیل الکترونیکی بودن اینگونه قراردادها از اجرای عمومات حقوق اجتناب نمود. همچنان که ماده ۳۹ قانون تجارت الکترونیکی این موضوع را مورد تایید قرار داده است. بر این اساس باید قبول نمود که اجرای قواعد کلی انحلال عقود به واسطه حوادث قهری یا تلف موضوع معامله یا عدم امکان اجرای تعهد توسط متعهد در قراردادهای الکترونیکی نیز امکان پذیر می باشد.

هنگام تنظیم قراردادها می‌توان شرایطی را پیش‌بینی کرد که در صورت تحقق آن‌ها قرارداد بدون نیاز به اراده هیچ‌کدام از طرفین منحل گردد. نکته‌ای که در این خصوص نباید از نظر دور نگه داشته شود این است که این شرایط باید الزاماً اموری را خارج از اختیار طرفین قرارداد پوشش دهد و طرفین نباید در وقوع آن نقشی داشته باشند که بارزترین نمونه آن وقوع فورس ماژور در حین رابطه قراردادی است که به‌صورت مستقیم بر ایفای تعهد قراردادی مؤثر باشد به‌نحوی‌که طرفین را از عمل به وظایف قراردادی خود عاجز نماید.

انحلال قهری یا انفساخ، آن است که، «اگر عقدی صحیحاً واقع شود سپس به سببی از اسباب، آن عقد، منحل گردد، و در این انحلال، قصد عاقد دخالت نداشته باشد، این انحلال را «انفساخ» نامند.

---

۱. (آل کاشف الغطاء، علی بن جعفر؛(بیتا)، رساله فی الخیارات، چاپ سنگی، بی جا، شیخ احمد شیرازی ، ص۱۲۳).

این واژه در برابر واژه « فسخ » به کار می رود که مبتنی بر کاربرد اراده یکی از طرفین عقد است. تلف مبیع قبل از قبض، موجب انفساخ بیع است.(مواد. ۴۸۳ و ۳۸۷ ق.م)[۱]

در فقه و حقوق، به از اثر افتادنِ یک عمل حقوقی اعمال از عقد یا ایقاع، بیرون از اراده انشاء کنندگان آن به حکم شرع، قانون و عرف« انفساخ » گویند. چنانکه ملاحظه می شود، در فقه اسلامی انفساخ معنای لزوم دارد و با از میان رفتن اثر مترتب بر عمل حقوقی بدون دخالت اراده کسی غیر از قانون، شرع یا عرف از بین می رود. همچنین می توان از انفساخ به انحلال قهری یک قرارداد نیز تعبیرکرد.[۲]

پس، انحلال قهری که آن را انفساخ هم می نامند، انحلال خود بخود و بدون دخالت اراده طرفین است که نیاز به انشای جداگانه ندارد. مانند انحلال عقد بیع در نتیجه تلف مبیع قبل از قبض (ماده۳۸۷ ق.م.)، انحلال اجاره در اثر تلف عین مستأ جره (ماده ۴۸۳ ق.م.)، فوت مستأجری که مباشرت او در اجاره شرط شده است (ماده ۴۹۷ ق.م.)، انحلال عقد جایز به موت و حجر یکی از دو طرف (ماده۹۵۴ ق.م.) و موارد دیگری که در قانون مدنی آمده است. اثر انحلال قهری یا انفساخ، از زمان وقوع سبب و ناظر به آینده می باشد.

منظور از قهری بودن انحلال، یعنی این که عقد، بدون نیاز به عمل حقوقی اضافی، خود به خود از بین می‌رود، و حق انتخاب برای طرفین یا دادگاه باقی نمی‌ماند. پس قهری بودن انحلال، منافاتی با ارادی بودن سبب آن ندارد، مثلاً ممکن است طرفین قبلاً تراضی نمایند که سه ماه بعد عقد خود به خود، منفسخ شود. بنابراین انفساخ به‌این معنا است که رابطه‌ی ناشی از قرارداد بدون قصد و اراده طرفین معامله و به‌موجب حکم قانون ازبین برود.[۳] مثلا اگر در عقد بیع، مبیع پیش از تسلیم از بین برود، عقد بیع منفسخ می‌شود. البته باید دانست که انفساخ قرارداد با بطلان آن تفاوت دارد. اگر قراردادی باطل باشد به‌معنی بی‌اعتباری و عدم تأثیر آن است اما قرارداد در صورتی منفسخ می‌شود که ابتدا قراردادی به‌طور صحیح منعقد شده باشد سپس سببی موجب انفساخ آن گردد.

---

۱. (جعفری لنگرودی، جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛(۱۳۸۸)، دائره المعارف عمومی حقوق مدنی و تجارت، حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات، ص ۲۹۱.)

۲. (خدامی، داود؛ پیشین (۱۳۹۱)، ص ۱۵.)

۳. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ پیشین (۱۳۷۸)، ص۶۹۱، ش)۲۶۱۳

گفتار دوم. انواع خیارات در انحلال قراردادهای الکترونیکی در نظام حقوق اداری ایران

خیارات، اختیارات قانونی یا قراردادی برای برهم‌زدن عقد لازم هستند که در صورت تحقق شرایط، به یکی از طرفین حق فسخ می‌دهند. در قراردادهای الکترونیکی اداری، اصل بر قابلیت اعمال خیارات است، اما نحوه تحقق، اثبات و حدود اجرای آن‌ها تحت تأثیر دو عامل قرار می‌گیرد:

۱. ماهیت دیجیتالی قرارداد
۲. حاکمیت اصول حقوق اداری و منفعت عمومی

خیارات مهم در این حوزه عبارت‌اند از:

بند اول . خیار مجلس در قراردادهای الکترونیکی

در نظام حقوقی ایران، **خیار مجلس** به عنوان یکی از خیارات فقهی-حقوقی، به طرفین قرارداد این حق را میدهد که تا پایان جلسه مذاکره (قبل از جدا شدن از یکدیگر)، عقد را فسخ کنند. این حق مبتنی بر **فقه امامیه** و ماده ۴۰۱ قانون مدنی ایران است که مقرر میدارد:«هر یک از متعاملین تا در مجلس عقد هستند، میتوانند معامله را به هم بزنند...اما در قراردادهای الکترونیکی که مذاکرات و انعقاد قرارداد در فضای مجازی و بدون حضور فیزیکی طرفین انجام میشود، تطبیق این مفهوم با چالشهایی روبه روست. در ادامه، تحلیل حقوقی این موضوع ارائه میشود: با توجه به آنچه بیان شد آیا می توان در یک قرارداد بیع الکترونیکی خیار مجلس راجاری نمود؟ برای پاسخ به این سؤال نیازمند بررسی انواع روشهای انعقاد قرارداد در فضای الکترونیکی هستیم. در بعضی از معاملات الکترونیکی، طرفین به طور همزمان در حال مبادلهٔ اطلاعات می باشند. بنابراین «داده پیام» هایی که می توانند حاوی ایجاب و یا شرایط معامله باشند، به صورت فوری و بلادرنگ به طرف مقابل می رسد، و پاسخ وی نیز درقالب «داده پیام» هایی که ممکن است حاوی قبول شرایط معامله باشد، به صورت فوری وبلادرنگ به فرستنده اولیه رسیده و او بلافاصله آگاه می شود. در این قراردادها طرفین اصطلاحاً آنلاین (online) می باشند و ممکن است با استفاده از ابزارهای گوناگون الکترونیکی از قبیل پست الکترونیکی، وب سایت ها، تلفن، تلگرام، تلکس و... انجام شود . در چنین مبادلاتی اگرچه

تصور مجلس عقد و حضور فیزیکی طرفین در آن میسر نیست اما ممکن است گفته شود، به دلیل ارتباط فکری و روانی طرفین، می توان به وجود خیارمجلس برای طرفین قائل بود.

عدم وجود مجلس فیزیکی در قراردادهای الکترونیکی، مذاکرات و ایجاب و قبول معمولاً از طریق ایمیل، پیامرسانها، یا پلتفرمهای آنلاین انجام میشود و هیچ مجلس فیزیکی وجود ندارد.

تعیین زمان پایان مجلس، در فضای مجازی، تعیین زمان دقیق پایان مذاکرات (جدایی طرفین) مشکل است. آیا ارسال ایجاب از طریق ایمیل و دریافت قبول پس از چند ساعت، مجلس واحد محسوب میشود؟سرعت در انعقاد قرارداد، در پلتفرمهای آنلاین (مانند خرید اینترنتی)، قرارداد اغلب با یک کلیک (Clickwrap) منعقد میشود و فرصت فسخ فوری عملاً وجود ندارد.

رویکرد حقوق ایران به خیار مجلس در قراردادهای الکترونیکی را می توان این گونه بیان کرد

الف. سکوت قانون تجارت الکترونیکی، قانون تجارت الکترونیکی ایران (۱۳۸۲) به طور صریح به خیار مجلس اشاره نکرده است.

ب. تفسیر حقوقی، نظریه اول (عدم شمول):برخی حقوقدانان معتقدند خیار مجلس مختص قراردادهای حضوری است و در قراردادهای الکترونیکی که مجلس فیزیکی وجود ندارد، این خیار منتفی است.

نظریه دوم (تطبیق گسترده):عدهای با تفسیر موسع از «مجلس»، زمان مذاکرات مجازی (مانند چت یا ایمیل) را مجلس فرض کرده و معتقدند طرفین تا پایان تبادل پیامها (پیش از قطع ارتباط) حق فسخ دارند.

ج. ماده ۴۰۱ قانون مدنی:

این ماده تنها به «مجلس عقد» اشاره میکند و قابلیت تعمیم به فضای مجازی را دارد، اما نیازمند تفسیر قضایی یا رویه عملی است.

به این ترتیب در قراردادهای الکترونیکی که بوسیلهٔ دو سیستم رایانه ای، که به عنوان عوامل طرف های معامله کار می کنند، صورت می گیرد نیز نمی توانیم قائل به تحقق مجلس عقد و خیار مجلس باشیم.

لذا به طور کلی می توان گفت در قرارداهای الکترونیکی بدلیل وجود بستری مجازی و عدم حضور فیزیکی طرفین در یک مجلس، امکان استفاده از خیار مجلس برای فسخ عقد بیع وجود ندارد.

بند دوم. خیار رؤیت و تخلف وصف در قراردادهای الکترونیکی اداری

یکی از مواردی که طرفین اختیار فسخ معامله را بدست می آورند، تحقق خیار رؤیت و تخلف وصف می باشد.خیار رؤیت عبارت است از: «حق الخیار ناشی از مشاهده مبیع، برخلاف آن صورتی که مبیع را قبلاً دیده بودند».

الف. اعمال خیار تخلف وصف در فضای الکترونیک:توصیفات آنلاین: ر پلتفرمهای الکترونیکی، فروشندگان از طریق متن، تصویر، ویدیو یا مشخصات فنی، کالا را توصیف میکنند.در صورت مغایرت در توصیفات اگر کالای دریافتی با این توصیفات مطابقت نداشته باشد، خریدار میتواند با استناد به خیار تخلف وصف، قرارداد را فسخ کند. خریدار باید اثبات کند که تخلف وصف وجود دارد (مثلاً با ارائه مقایسه مشخصات درجشده در سایت و کالای دریافتی).

ب. چالش های اثباتی:

اما برای اعمال خیار چالشهایی وجود دارد ذخیرهسازی مستندات:خریدار باید از توصیفات اولیه (صفحات وب، ایمیلها، یا پیامهای فروشنده) اسکرین شات یا نسخه PDF تهیه کند.تغییر محتوای وبسایت، فروشندگان ممکن است پس از اعتراض خریدار، توصیفات کالا را تغییر دهند. استفاده از ابزارهای تمبر زمانی یا سرویسهای آرشیو اینترنتی مثل Wayback Machine برای اثبات مفاد اولیه ضروری است.

خیار مجلس که ناظر به حق فسخ تا زمان تفرق طرفین از مجلس عقد است، در قراردادهای الکترونیکی اداری کارایی محدودی دارد، زیرا مجلس فیزیکی وجود ندارد. هرچند برخی نظریات، مجلس مجازی را تا پایان فرایند برخط معتبر می‌دانند، اما در عمل این خیار جایگاه کم‌رنگی داشته و بیشتر جنبه نظری پیدا می‌کند.

حق انصراف (نهاد مشابه خیار قانونی) حق انصراف پیش‌بینی‌شده در قانون تجارت الکترونیکی، هرچند اصطلاحاً خیار نامیده نمی‌شود، از حیث کارکرد شباهت زیادی با خیارات قانونی دارد. این حق با هدف حمایت از طرف ضعیف‌تر در معاملات الکترونیکی ایجاد شده است. اگرچه در قراردادهای اداری کاربرد مستقیم محدودی دارد، اما از منظر تحلیلی نشان‌دهنده رویکرد قانون‌گذار به توسعه نهادهای فسخ در فضای دیجیتال است.

ملاک	خیار رؤیت	خیار تخلف وصف
مبنای اعمال	عدم مشاهده فیزیکی کالا پیش از عقد	عدم تطابق کالا با وصف قراردادی
زمان اعمال	پس از مشاهده کالا	پس از کشف تخلف در وصف
مدرک مورد نیاز	نیاز به اثبات عدم رؤیت پیشین	نیاز به اثبات مغایرت وصف با واقعیت
جایگزین در فضای الکترونیک	حق انصراف ۷ روزه (ماده ۳۷)	اعمال مستقیم خیار تخلف وصف

تفاوت خیار رؤیت و خیار تخلف وصف

اما در اعمال خیار محدودیت هایی نیز وجود دارد:

- اثبات تخلف وصف: نیاز به مستندات معتبر دیجیتالی دارد.
- تغییرپذیری محتوای وبسایتها: فروشندگان ممکن است توصیفات را اصلاح کنند.
- فقدان آگاهی مصرفکنندگان: بسیاری از خریداران از حقوق خود (مانند حق انصراف ۷ روزه) اطلاع ندارند.

اما رویکرد قانون تجارت الکترونیکی ایران نسبت به اعمال این خیارات به شرح ذیل است :

ماده۳۳: فروشنده موظف است اطلاعات دقیق و کامل درباره کالا یا خدمات ارائه دهد.

ماده۳۷: حق انصراف ۷ روزه برای مصرفکننده، که به طور غیرمستقیم از حقوق ناشی از خیار رؤیت و تخلف وصف حمایت میکند.

ماده ۶۷، ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده جرم محسوب می‌شود و مشمول مجازات‌های قانون جرائم رایانهای است.خیار رؤیت در فضای الکترونیک، با توجه به امکان مشاهده مجازی کالا، عملاً جای خود را به حق انصراف ۷ روزه داده است.خیار تخلف وصف: همچنان قابل اعمال است، اما خریدار باید مدارک کافی برای اثبات مغایرت توصیفات با واقعیت را ارائه دهد.توصیه به مصرفکنندگان، پیش از خرید، مشخصات کالا را به دقت بررسی کنند.از حق انصراف ۷ روزه استفاده کنند.در صورت تخلف وصف، با ارائه مدارک معتبر به مراجع قضایی یا داوری مراجعه نمایند.

در قراردادهای الکترونیکی، هرچند خیار رؤیت به شکل سنتی آن کاربرد محدودی دارد، اما سازوکارهای

مـدرن مانند حـق انصـراف مصرفکننده و تخلـف وصـف، حمایتهـای لازم را از خریـداران فراهـم میکننـد. بـا ایـن حـال، آگاهـی از حقـوق قانونـی و حفـظ مسـتندات دیجیتالـی، کلیـد اصلـی احقـاق حـق در اینگونـه اختلافـات اسـت.

بند سوم. خیار تخلف شرط در قراردادهای الکترونیکی

خیار تخلف شرط عبارت است از اینکه متعـاملین در ضـمن معاملـه شـرطی قیـد کـرده باشـند و مشروط علیه عمل به شرط نکنـد، در ایـن صورت مشروط له حق خواهد داشـت کـه معامله را فسخ نماید(عدل، مصطفی؛۱۳۷۱ ، ص ۳۰۷.) احکـام ایـن خیـار در مـواد ۲۳۴ الـی ۲۴۵ قانون مدنی ذکر شده است.

شروط ضمـن عقد سـه نوع می باشـند: «۱- شـرط صفت، ۲- شـرط نتیجـه، ۳- شـرط فعـلاثباتا یا نفیا...» (مـاده ۲۳۴ قانون مدنی)

نتیجۀ تخلف از شرط صفتی که در ضمن عقد قید شده است، ایجاد خیار فسخ بـه نفـع مشروط لـه می باشـد. (مـاده ۲۳۵ قانون مدنی) و نتیجۀ تخلـف از شـرط فعـل، اجبـار مشـروط علیـه بـه وفای آن می باشد (مـاده ۲۳۷ قانون مدنی).

در قراردادهای الکترونیکی بر مبنـای مـاده ۳۰ قـانون تجـارت الکترونیکـی احکـام کلـی خیـار تخلـف شـرط نیـز هماننـد سـایر آثـار و احـکام خیـارات، تابـع قواعـد عمومـی می باشـند. تنهـابه علـت اینکـه ایـن گونـه قراردادهـا در فضـای الکترونیکـی منعقـد شـده و اغلـب برخـی ازمشخصات کالا ها و خدمـات بـه صـورت شـروط ضمـن عقـد مطـرح مـی شـوند، امکـان تحقـق ایـن خیـار نیـز شـدت می یابد.

گفتـه شـد در قراردادهایـی کـه بـه شـیوه الکترونیکـی منعقـد مـی شـوند، تامیـن کننـدگان بـرای معرفـی کالاهای خـود اغلـب بـه ذکـر اوصـاف و ویژگیهـای آن در وب سـایت خـود و یـا وبسـایت هـای تبلیغاتـی می پردازنـد، و بـه نـدرت معاملـه ای در محیـط مجـازی بـر اسـاس رؤیـت منعقـد مـی شـود. فروشـندگان کالا یـا خـدمات از هـر طریـق کـه اقـدام بـه انعقـاد قـرارداد بـه شـیوه الکترونیکـی نماینـد.[۱]

معرفـی محصولاتشـان اغلـب بـه صـورت شـروط ضمـن عقـد (شـرط صفـت یـا شـرط فعـل) مـی باشـد. بـه ایـن ترتیـب ملاحظـه مـی شـود کـه امـکان تحقـق خیـار تخلـف شـرط در قراردادهـای الکترونیکـی افزایـش

۱. (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه،۱۳۹۹ ،ص ۱۰۲.)

می یابد. در این حالت تفاوتی نمی کند که کالای مورد معامله به صورت عین معین باشد، یا کلی و یا کلی در معین. در هر صورت چنانچه مشروط له ملاحظه کند که تخلفی از شروط مذکور در عقد صورت گرفته، حق خواهد داشت که معامله را فسخ کرده و یا در صورتی که شرط مذکور شرط فعل باشد، مشروط علیه را اجبار به وفای به عهدنماید.

نکته ای که در اینجا قابل تأمل می باشد اینست که در قانون تجارت الکترونیکی قانونگذار در برخی موارد بجای اینکه اختیار فسخ قرارداد را به خریدار بدهد، امکان تسلیم کالای مشابه، به آنچه مورد وعده بوده را، به تأمین کننده می دهد. بر این اساس در ماده ۴۰ قانون مذکور، اقدام به وضع قواعد ماهوی بر خلاف قواعد عمومی قراردادها نموده و مقرر می دارد: «تأمین کننده می تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشروط بر آنکه قبل از معاملهٔ در حین انجام معامله آن را اعلام کرده باشد».

در این ماده قانونگذار امکان تسلیم کالای مشابه را به صرف اعلام از سوی فروشنده تجویز نموده است. در حقوق داخلی، اصل بر این است که اگر مال معینی به دیگری فروخته شود، باید عین همان مال تسلیم شود و فقط در بیع کلی یا بیع از روی نمونه (مواد۳۵۰، ۳۵۱ و ۳۵۴ قانون مدنی) امکان تسلیم یکی از مصداقهای مبیع به هر نحوی که فروشنده تعیین کند وجود دارد. در واقع در نظام حقوق داخلی، جز در مورد اموال مثلی که به نحو کلی فروخته می شوند، امکان تسلیم کالای مشابه وجود ندارد. ظاهراً این ماده، اصل تسلیم کالای مشابه را به نحو کلی پذیرفته است و آن را به فروش کالاهای کلی هم منحصر نکرده است.[1]

با این حال پذیرش چنین قاعده‌ای مشروط بر اینکه تأمین کننده قبل از عقد، آن را اعلام کرده باشد تاحدودی قابل دفاع است و بعید است قانونگذار در حین انجام معامله و پس از عقد این قاعده را تسری داده باشد، چراکه شاید خریدار با این قضیه موافق نباشد و تحمیل اراده بایع به خریدار جایز نیست.

بند چهارم. خیار تدلیس در قراردادهای الکترونیکی اداری

تدلیس به معنی فریب دادن و پنهان کردن واقع است. پس هرگاه فروشنده مالی برای فریفتن خریدار، وصفی موهوم را به کالای خود نسبت دهد، یا عیبی را که در آن است بپوشاند، گویند در

۱. (کاتوزیان،ناصر؛(۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع ، تهران ، ص۳۲۵.)

معامله تدلیس نموده است. ماده ۴۳۸ قانون مدنی در تعریف تدلیس می گوید: «تدلیس عبارتست از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود». بنابراین برای تحقق تدلیس باید اولاً عملیاتی انجام شود و ثانیاً این اقدام موجب فریب طرف معامله شود. چنانچه تدلیس سبب ایجاد اشتباه مؤثر در عقد شود، موجب بطلان یاعدم نفوذ عقد خواهد شد. ولی تدلیس به معنایی که در قانون مدنی آمده و سبب خیار فسخ می شود، تقصیر عمدی یا فریب ناروایی است که باعث ضرر طرف قرارداد می شود، وبرای جبران این ضرر به فریب خورده خیار فسخ داده می شود.

ماده ۴۳۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و هم چنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری».

به همان میزان که تدلیس در قراردادهای سنتی محقق می شود، در قراردادهای الکترونیکی نیز چنین رخ می دهد. زیرا در این قراردادها، فروش کالا اغلب بر پایهٔ اوصافصورت می گیرد و نه رؤیت. گاهی در تبلیغات اینترنتی اوصاف کالا را برای جذب مشتری، بیش از حد برجسته می کنند، به گونه ای که وصف موهومی به کالا منتسب می شود.[1]

از آنجاکه تبلیغات در تجارت الکترونیکی نقش اساسی بر عهده دارد و یک ابزاراطلاعاتی است که مشتریان بالقوه را ترغیب به انعقاد قرارداد می کند.[2] لذا امکان تحقق تدلیس و فریبکاری در روند تبلیغات و بازاریابی پیش از انعقاد قرارداد،بیش از پیش به چشم می خورد. ویژگی خاص تبلیغات در فضای اینترنت، ایجاب می کندکه این موارد تابع اصول و قواعد روشن و برخوردار از ضمانت اجرایی لازم باشند .

به اینترتیب قانون تجارت الکترونیکی در رویکردی حمایتی از بستر معاملات الکترونیکی، به ذکر چندین ماده در قواعد تبلیغات پرداخته و ضوابط اساسی آن را به تصویب آیین نامه واگذار نموده است.

در این خصوص ماده ۵۰ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می دارد: «تأمین کنندگان درتبلیغ کالا و خدمات خود نباید مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که سبب مشتبه شدن و یافریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود».

همچنین در ماده ۵۲ قانون مذکور چنین مقرر شده است: «تأمین کننده باید به نحوی تبلیغ کند که مصرف کننده به طور دقیق، صحیح و روشن اطلاعات مربوط به کالا وخدمات را درک کند».

---

۱. (؛حبیب زاده، طاهر؛(۱۳۸۶)، تحقق تدلیس در انعقاد قراردادهای الکترونیکی ، نشر راه (۱۳۸۶)، ص۱۱۹.)

۲. (دبلفون، زویه لینان؛ ۱۳۷۷، ص۵۸

ملاحظه می شود که به دلیل بستر مجازی قراردادهای الکترونیکی امکان تحقق تدلیس چند برابر قراردادهای سنتی شده و به همین دلیل قانونگذار به ذکر قواعد و مقررات ویژه وضمانت اجراهای خاص (از جمله ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی) پرداخته است.

البته از آنجا که در قراردادهای الکترونیکی به طور معمول در مقابل کالا یا خدمات پول پرداخت می شود و نه کالا، لذا تحقق تدلیس از سوی مشتری امکان پذیر نیست . مگراینکه به نحوی بر معاوضهٔ کالا توافق شود. در این صورت، تحقق تدلیس از جانب مشتری نیز متصور است.[1] در هر صورت آنچه قابل توجه است این است که تنها شیوه ظهور تدلیس در قرارداد سنتی و الکترونیکی متفاوت است ولی قواعد حقوقی حاکم بر تدلیس در فضای سنتی و الکترونیکی یکسان می باشد.

خیار تدلیس در قرارداد الکترونیک اداری زمانی ایجاد می‌شود که یکی از طرفین از طریق فریب، ارائه اطلاعات خلاف واقع یا کتمان حقیقت، طرف دیگر را به انعقاد قرارداد ترغیب کند. در قراردادهای الکترونیکی اداری، تدلیس غالباً به صورت داده‌محور و دیجیتالی ظاهر می‌شود؛ مانند جعل سوابق فنی پیمانکار، ارائه گواهی‌های الکترونیکی غیرواقعی، دستکاری مستندات بارگذاری‌شده در سامانه‌های مناقصه یا ارائه مشخصات فنی نادرست در بسترهای آنلاین. اثبات این نوع تدلیس وابسته به ادله الکترونیکی و بررسی‌های فنی است و می‌تواند مبنای فسخ قرارداد از سوی دستگاه اداری یا طرف خصوصی قرار گیرد.

بند پنجم. خیار غبن

خیار غبن در صورت وجود عدم تعادل فاحش میان عوضین ایجاد می‌شود. در قراردادهای اداری، به دلیل تشریفات مناقصه و نظارت‌های مالی، تحقق آن کمتر است؛ اما در قراردادهای تخصصی فناوری که ارزیابی ارزش واقعی خدمات دشوار است، ممکن است یکی از طرفین متحمل زیان فاحش شود. در چنین شرایطی، اگر شرایط قانونی غبن فراهم باشد، حق فسخ قابل تصور است، هرچند اعمال آن ممکن است تحت تأثیر ملاحظات مربوط به منافع عمومی محدود شود. خیار غبن زمانی ایجاد می‌شود که بین عوضین قرارداد عدم تعادل فاحش وجود داشته باشد؛ یعنی یکی از طرفین به‌طور غیرمتعارف و قابل‌توجه متضرر شود، به‌گونه‌ای که اگر از واقعیت آگاه بود، قرارداد

۱. (حبیب زاده، طاهر؛ پیشین ، (۱۳۸۶)، ص ۱۱۹.)

را منعقد نمی‌کرد. در حقوق مدنی، معیار «فاحش بودن» غبن عرفی است و با اوضاع‌واحوال زمان عقد سنجیده می‌شود، نه تحولات بعدی بازار.

در قراردادهای اداری سنتی، به دلیل وجود مناقصه، ارزیابی کارشناسی، برآورد اولیه و نظارت نهادهای مالی، فرض بر این است که قیمت‌ها واقعی و رقابتی‌اند؛ بنابراین ادعای غبن دشوارتر پذیرفته می‌شود. اما در قراردادهای الکترونیکی اداری، به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات، وضعیت متفاوت است؛ زیرا:

- موضوع قرارداد غالباً ناملموس و پیچیده است (نرم‌افزار، داده، امنیت سایبری، هوش مصنوعی).
- قیمت‌گذاری به دانش تخصصی وابسته است و مقایسه عرفی سخت‌تر انجام می‌شود.
- ممکن است دستگاه اداری به دلیل عدم تخصص کافی، خدمتی را با قیمتی بسیار بالاتر از ارزش واقعی خریداری کند (غبن دولت).
- یا برعکس، پیمانکار به علت برآورد نادرست هزینه‌های فنی یا تغییرات پنهان زیرساختی، متحمل زیان فاحش شود (غبن طرف خصوصی).

در اینجا غبن می‌تواند ناشی از عدم تقارن اطلاعات فنی باشد، نه صرفاً اختلاف قیمت ساده. یعنی یکی از طرفین درک درستی از پیچیدگی پروژه، هزینه‌های پنهان یا ریسک‌های فنی نداشته است.

گفتار سوم .خیار شرط و حق فسخ ویژه قراردادهای الکترونیکی

اختیار فسخ عقد را که به موجب شرط ضمن عقد برای یکی از دو طرف یا هر دو یا ثالث قرارداده می‌شود، خیار شرط گویند . ماده ۳۹۹ قانون مدنی در این باره مقرر می دارد: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد».

بنابراین خیار شرط در برابر سایر خیارات این ویژگی را دارد که ساختهٔ تراضی دوطرف عقد است. به طوری که در سایر خیارات از جمله خیار عیب و غبن، در هر حال با جمع شدن شرایط، خیار محقق می شود، هرچند که به ذهن دو طرف هم نگذشته باشد.

لیکن خیار شرط به تراضی واقعی است و در صورتی ایجاد می شود که دو طرف آگاهانه درباره آن تصمیم گرفته باشند.

نظام حقوقی ایران، خیار شرط و حق فسخ ویژه در قراردادهای الکترونیکی با توجه به قوانین خاص تجارت الکترونیک و اصول کلی حقوق مدنی، دارای ویژگیهای منحصر به فردی هستند. در ادامه، این مفاهیم و نحوه اعمال آنها در قراردادهای الکترونیکی تحلیل میشود در واقع خیار شرط به طرفین قرارداد اجازه میدهد شرط خاصی را در متن قرارداد درج کنند که در صورت تحقق آن، حق فسخ قرارداد برای یک یا هر دو طرف ایجاد شود (ماده ۳۹۹ قانون مدنی). برای مثال: شرط فسخ قرارداد در صورت تأخیر بیش از ۱۰ روز در تحویل کالا.اعمال خیار شرط در قراردادهای الکترونیکی، در قراردادهای الکترونیکی، شرط فسخ باید به صورت شفاف و واضح در متن قرارداد ذکر شود تا قابل استناد باشد. البته در اعمال شرط خیار محدودیت هایی وجود دارد مانند اینکهشرط نباید مخالف نظم عمومی، اخلاق حسنه یا شرع باشد (ماده ۹۷۵ قانون مدنی).در قراردادهای استاندارد (مانند شرایط استفاده از اپلیکیشنها)، شروط یکطرفه باید منصفانه باشند و از سوءاستفاده جلوگیری شود. به طور مثال در یک قرارداد الکترونیکی اجاره نرم افزار، شرط میشود که در صورت عدم پرداخت هزینه ماهانه، شرکت ارائه دهنده حق قطع دسترسی کاربر را دارد. این شرط با رعایت قوانین، معتبر است. در قراردادهای الکترونیکی اداری، شروط قراردادی نقشی محوری دارند و تخلف از آن‌ها می‌تواند موجب ایجاد حق فسخ شود. این شروط ممکن است فنی، زمانی، امنیتی یا مرتبط با سطح خدمت باشند؛ مانند شرط محرمانگی داده‌ها، سطح دسترس‌پذیری سامانه (SLA)، تحویل در موعد مقرر یا رعایت استانداردهای امنیت سایبری. در صورت نقض این شروط، مشروطله حق دارد قرارداد را فسخ کند. این خیار در قراردادهای فناوری اطلاعات دولتی بسیار شایع است و به عنوان ابزار تضمین اجرای دقیق تعهدات تخصصی عمل می‌کند.

بند اول. حق فسخ ویژه در قراردادهای الکترونیکی

حق فسخ ویژه به حقوقی اشاره دارد که قانونگذار برای حمایت از یک طرف قرارداد (معمولاً مصرف کننده) در نظر گرفته است، بدون نیاز به درج شرط خاص در قرارداد. مهمترین مصادیق آن در حقوق ایران عبارتند از:

الف. حق انصراف مصرف کننده (ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی):

مصرف کننده در خریدهای غیرحضوری (مانند خرید اینترنتی) میتواند تا ۷ روز از دریافت کالا یا

خدمات، بدون نیاز به دلیل، قرارداد را فسخ کند.استثناها:کالاهای سفارشی یا فاسدشدنی (مانند مواد غذایی).خدمات دیجیتالی که بلافاصله پس از خرید فعال میشوند (مانند اشتراک نرم افزار).

ب. حق فسخ در صورت تخلف از وصف (ماده ۴۲۴ قانون مدنی):

اگر کالا یا خدمات ارائه شده با توصیفات قراردادی مطابقت نداشته باشد، خریدار حق فسخ دارد.

چالش در فضای الکترونیک، اثبات مغایرت نیازمند ذخیرهسازی مدارک دیجیتالی (مانند اسکرین شات از صفحه محصول) است.

ج. حق فسخ در صورت نقض حریم خصوصی (ماده ۵۸ قانون جرائم رایانهای):

اگر فروشنده بدون رضایت مصرفکننده، دادههای شخصی او را افشا یا سوءاستفاده کند، مصرفکننده میتواند قرارداد را فسخ کند.

ملاک	خیار شرط	حق فسخ ویژه
منشأ حقوقی	توافق طرفین (قرارداد)	قانون (حمایت از مصرفکننده یا نظم عمومی)
شرایط اعمال	تحقق شرط مندرج در قرارداد	تحقق شرایط قانونی (مثل تخلف وصف)
قابلیت تغییر	قابل توافق یا حذف توسط طرفین	غیرقابل اسقاط (مگر در موارد خاص)
مثال	فسخ در صورت تأخیر تحویل	حق انصراف ۷ روزه مصرفکننده

تفاوت خیار شرط و حق فسخ ویژه

چالشهای اعمال خیار در قراردادهای الکترونیکی

الف. اثبات تحقق شرط یا تخلف:نیاز به مدارک دیجیتالی معتبر مانند لاگهای سیستم، ایمیلها، یا گواهیهای امضای الکترونیکی.

ب. تغییرپذیری محتوای وبسایتها، فروشندگان ممکن است محتوای قرارداد یا توصیفات کالا را پس از انعقاد تغییر دهند. استفاده از ابزارهایی مانند تمبر زمانی یا آرشیو اینترنتیمثل Wayback Machine ضروری است.

ج. تعارض قوانین در قراردادهای فرامرزی، در معاملات بین المللی، تعیین قانون حاکم و صلاحیت قضایی برای اعمال خیار شرط یا حق فسخ ویژه اهمیت دارد.طرفین باید شرایط فسخ را بهصورت دقیق و بدون ابهام در قرارداد الکترونیکی ذکر کنند.مثال: «در صورت عدم پرداخت طی ۱۵ روز، این قرارداد به طور خودکار فسخ میشود»

و نهایتا می توان بیان کرد که خیار شرط در قراردادهای الکترونیکی، تابع اصل حاکمیت اراده است و طرفین میتوانند با رعایت قوانین آمره، شروط فسخ را تعیین کنند.حق فسخ ویژه (مانند حق انصراف ۷ روزه) بهعنوان یک مکانیزم حمایتی، تضمینکننده حقوق مصرفکنندگان در فضای دیجیتال است. مصرف کنندگان باید مدارک معاملات را حفظ کرده و در صورت نقض حقوق خود، به مراجع قضایی یا نهادهای حمایتی (مانند اتحادیه کشوری کسبوکارهای مجازی) مراجعه نمایند.

بند دوم-مبنای خیارات

خیار موضوع ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی ایران با این که شباهت زیادی به خیار حیوان دارد اما به نظر می رسد مبنای آن با مبنای خیار حیوان تفاوت اساسی دارد. چرا که این خیار یک حق فسخ کاملا جدید است و سابقه تاریخی ندارد. مبنای این خیار به نظر می رسد تنها «حمایت از مصرف کننده» باشد، که این قانون به آن اهمیت زیادی داده است و حتی توافق بر خلاف آن را نافذ ندانسته است.

الف.- قابلیت و ماهیت اسقاط خیارات

اسقاط خیار یک عمل حقوقی یک جانبه است و نیازی به رضایت طرف دیگر ندارد. حقوق‌دانان ذیل بحث اثر اسقاط خیارات؛ آن را به اقاله تشبیه کرده‌اند بنابراین تمام آثاری که بر اقاله جاری است، بر اسقاط نیز جاری می‌گردد. از جمله این‌که اثر اسقاط خیار از تاریخ تحقق اسقاط است.[۱]

ب. تعارض قوانین و خیارات

با توجه به ماهیت قراردادهای الکترونیکی و دخالت عنصر بین المللی در اینگونه قراردادها امکان

۱. صفایی، سیدحسین(۱۳۸۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی ، پیشین، ص۳۰۶.

وقوع تعارض حقوقی و قانونی در اینگونه قراردادها امکان پذیر می باشد بر همین اساس باید معلوم گردد که در حالت وقوع تعارض در اعمال خیارات کدام قاعده حقوقی و قانونی بر این عمل حقوقی حاکم خواهد بود. قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیکی نسبت به وجود قاعده ای در این خصوص و اعمال حکم مورد نظر در این باب مقرره خاصی ندارد. بر همین اساس باید از قواعد عام حاکم در این خصوص استفاده نمود. با توجه به اینکه اعمال خیار از جمله اعمال حقوقی می باشد که نیاز به اراده انشایی دارد باید آن را ایقاع تلقی نمود اگر قانون حاکم بر قرارداد الکترونیکی قانون محل وقوع عقد و برای مثال قانون ایران باشد بدون شک خیارات مقرر در قانون مدنی در صورت وجود شرایط تحقق آنها؛ در این قرارداد نیز اعمال می گردد و اعمال آن‌ها تابع این قانون خواهد بود. اما اگر قانون حاکم بر قرارداد الکترونیکی قانون کشور خارجی باشد که در آن خیارات قراردادی مورد شناسایی قرار نگرفته باشد نمیتوان با استناد به قانون ایران و با این استدلال که محل اعمال خیار ایران می‌باشد دست به فسخ عقد زد. با توجه به اینکه در اغلب موارد مبنای خیار دفع ضرر می باشد اما نباید این وسیله در دست دارنده آن باعث ایجاد ضرر دیگری گردد.

گفتار دوم- قواعد حقوقی اعمال خیارات در بیع الکترونیکی

اعمال خیار با توجه به خاصیت وذات زایل کنندگی اش یک ایقاع تلقی می شود و این ایقاع برای صحت باید شرایط بیان شده در خصوص صحت اعمال حقوقی از جمله سلامت اراده، اهلیت و. . را دارا باشد و اعمال خیار توسط محجور قابل قبول نخواهد بود. از سوی دیگر اعمال خیار و انشاء آن زمانی محقق می گردد که توسط دارنده خیار این انشاء اعلام گردد، به عبارت بهتر تا زمانی که قصد و نیت طرف قرارداد جنبه درونی داشته و هنوز به عالم خارج راه پیدا ننموده است هیچ اثری نخواهد داشت گرچه قانون مدنی به تبعیت از فقه اصل را اراده باطنی قرارداده است با این حال نباید از این نکته غافل شد که اراده باطنی باید ظهور خارجی یابد و این ظهور برای افراد با اهمیت می‌باشد.[1]

اعلام اراده در خصوص اعمال خیار تا حدی متفاوت از سایر موارد می باشد چرا که به محض وقوع عقد، معلوم می شود که عقد یقیناً ایجاد شده و برای از بین بردن آن نیز نیاز به زوال یقینی می باشد. به همین دلیل می باشد که طرف قرارداد اجرای آثار خیار را از دادگاه مطالبه می نماید. نباید

۱. اسدی نژاد، سید محمد و بهارلو قره بلطاقی، جواد؛(۱۳۹۰)، شرط فاسخ، نشر راه تهران ص ۲۵.

از این نکته غافل شد که دخالت دادگاه نه به معنای نقش آن در تحقق فسخ می باشد بلکه دادگاه صرفا اعلام کننده تحقق فسخ و الزام خوانده به اجرای آثار آن می باشد. در قراردادهای الکترونیکی و بالاخص بیع الکترونیکی نیز وضع به همین منوال می‌باشد و برای اعمال خیار باید این انشاء اعلام گردد. در قانون تجارت الکترونیکی نسبت به نحوه اعلام تصریحی وجود ندارد و این امر بر عهده و اختیار طرفین قرارداده شده است تا خود به نحو مقتضی نحوه اعلام اراده ها را معین نمایند.

با این حال در صورتی که در قرارداد فی مابین طرفین شرط خلافی وجود نداشته باشد باید اعلام اراده به نحوی روی دهد که امکان آگاهی طرف قرارداد از این امر وجود داشته باشد. به عبارتی در قراردادهای الکترونیکی با توجه به اینکه وسیله ارتباطی بین طرفین ابزارهای دیجیتالی بوده و قرارداد از این طریق منعقد گردیده است اعلام اراده در خصوص فسخ نیز باید با استفاده از این ابزار انجام گیرد چراکه این امر اماره ای بر آگاهی طرف مقابل خواهد بود. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که اگر در قراردادهای الکترونیکی دارنده خیار اعلام اراده خود در خصوص فسخ را از طریق وسایل غیر دیجیتالی انجام دهد به سختی می توان آن را نوعی فسخ تلقی نمود چراکه با توجه به ابزار انعقاد عقد انتظار می رود زوال عقد نیز از این طریق و با استفاده از آن ابزار انجام پذیرد زیرا در این خصوص این روش معمول ترین و معقول ترین روش خواهد بود. با توجه به اینکه در اغلب موارد مبنای خیار دفع ضرر می باشد اما نباید این وسیله در دست دارنده آن باعث ایجاد ضرر دیگری گردد. اجرای خیارات و به تبع آن تزلزل عقد باید دارای مدت محدود باشد چراکه استمرار این امر منجر به تضرر طرف مقابل خواهد شد. بر این اساس قانونگذار در مواد مختلفی اعمال برخی خیارات را محدود به زمان مشخص نموده (خیار تاخیر ثمن)، لزوم اعمال فوری برخی دیگر را شرط دانسته (خیار تدلیس و عیب و تخلف از وصف، غبن) و در برخی موارد محدود و معین بودن زمان خیار را ضروری دانسته است (خیار شرط). در تمام این موارد منظور از فوریت اعمال خیار، فوریت عرفی می باشد نه فوریت ریاضی. بر این اساس تاخیر یک هفته‌ای در اعمال فسخ قرارداد یک میلیاردی نمی تواند مخالف با فوریت امر باشد. از سوی دیگر در قراردادهای الکترونیکی نیز همین قواعد اعمال خواهد شد و در صورت تحقق هر یک از خیارات قانون مدنی در قراردادهای انجام شده در فضای الکترونیکی قواعد خیارات در خصوص فوریت و ... اعمال خواهد شد. لازم به ذکر می باشد که فوریت اعمال خیار در خصوص قراردادهای الکترونیکی نیز با توجه به شرایط و ابزار انعقاد قرارداد سنجیده خواهد شد. با توجه به این که خیارات از جمله حقوق

مالی می باشند انتقال این حقوق از طرق قراردادی و قهری نیز امکانپذیر می باشد و تابع قواعد عام قانون مدنی می باشد.

بند چهارم. وجود یا عدم وجود خیارات در عقد الکترونیکی

نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی این شبهه را می تواند القا نماید که با توجه به روش های انعقاد چنین قراردادهایی امکان تحقق خیار در آنها وجود ندارد. با این حال باید توجه داشت که مبانی مورد استناد در خیارات در قراردادهای واقع شده از طریق الکترونیکی نیز وجود دارد.بنابراین با توجه به مبانی خیارات از جمله قاعده لاضرر، اراده طرفین و سنت فقهی این مبانی در عقود واقع شده از طریق الکترونیکی نیز وجود دارد. بر این اساس باید توجه داشت که کلیه خیارات با توجه به مبانی مورد استنادی آن ها در قراردادهای الکترونیکی نیز داخل می باشند مگر خیار مجلس. با توجه به ماهیت خیار مجلس و شرایط تحقق آن باید توجه داشت که چنین خیاری در قراردادهای الکترونیکی امکان تحقق را ندارد چراکه برای ایجاد آن نیاز به وجود مجلس عقد می باشد در حالی که حداقل از نظر فیزیکی مجلس عقدی وجود ندارد هر چند همبستگی فکری طرفین وجود داشته باشد. در خیار مجلس اصل حضور فیزیکی طرفین قرارداد در مجلس عقد می باشد نه همبستگی یا هماهنگی فکری چراکه اگر معیار خیار مجلس همبستگی فکری طرفین بود در قراردادهای الکترونیکی نیز خیار مجلس راه داشت.

یکی دیگر از خیاراتی که در قراردادهای الکترونیکی وجود یا عدم وجود آن مورد تردید می باشد خیار شرط می باشد. در این خصوص باید علاوه بر رعایت اصول قانون مدنی در خصوص مشخص بودن مدت آن (۴۰۱) باید قواعد آمره قانون تجارت الکترونیکی نیز رعایت گردد.

بر این اساس خیار شرط درج شده در قراردادهای الکترونیکی نمی‌تواند بر خلاف حق انصراف مصرف کننده و یا خلاف اصول منصفانه باشد در غیر این صورت اعتباری نخواهد داشت (ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی) اما در مورد سایر خیارات امکان تحقق آن در قراردادهای الکترونیکی با هیچ مانعی روبرو نمی باشد و در این خصوص تنها باید به قواعد آمره قانون تجارت الکترونیکی بالاخص رعایت حقوق مصرف کننده توجه نمود. امکان درج شروط قراردادی در قراردادهای الکترونیکی و وقوع خیارات در این عقود در سایر نظام های حقوقی دیگر نیز مورد پذیرش واقع شده است.[1]

۱. (، کاتوزیان،ناصر؛(۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع ، تهران ص ۱۷۶..)

گفتار چهارم. مبانی فسخ تجارت الکترونیکی

یکی از مباحث فسخ تجارت الکترونیکی به مبنای فسخ این نوع بیع مربوط است. مبنای فسخ تجارت الکترونیکی را باید هم از کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی سازمان ملل متحد مصوب ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵ به دست آورد و هم از قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ ایران تحصیل نمود.

بند نخست. حق انصراف

حق انصراف، یکی از اصول مهم حمایت از مصرف‌کننده است که به مشتری این امکان را می‌دهد بدون ارائه دلیل و در مدت زمان مشخص، از قرارداد منعقد شده منصرف شود و کالا یا خدمات خریداری شده را بازگرداند یا قرارداد را فسخ کند. این حق در قراردادهای الکترونیکی و خریدهای از راه دور اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مشتری کالا را قبل از خرید نمی‌تواند به صورت فیزیکی ببیند یا امتحان کند.مبانی حق انصراف بر چند اصل استوار است:

۱. حمایت از مصرف‌کننده، کاهش ریسک خرید و افزایش اعتماد در معاملات آنلاین.
۲. شفافیت اطلاعاتی فروشنده موظف است قبل از خرید اطلاعات کامل درباره کالا، قیمت، شرایط تحویل و حق انصراف ارائه دهد.
۳. توازن منافع طرفین: حق انصراف نباید به گونه‌ای باشد که حقوق فروشنده به شدت تضییع شود.

مدت زمان اعمال حق انصراف معمولاً بین ۷ تا ۱۴ روز از تاریخ تحویل کالا یا شروع خدمات است و مشتری باید انصراف خود را به صورت کتبی یا الکترونیکی اعلام کند. کالا نیز باید سالم، بدون استفاده غیرمعمول و در بسته‌بندی اصلی بازگردانده شود.استثناها شامل کالاهای سفارشی، کالاهای بهداشتی باز شده و خدماتی که پس از شروع اجرای آن‌ها قابل بازگشت نیستند.مسئولیت‌های فروشنده شامل اطلاع‌رسانی شفاف، پذیرش کالای بازگشتی و بازپرداخت وجه پرداختی مشتری (معمولاً ظرف ۱۴ روز) است. این سازوکار باعث می‌شود حق انصراف به صورت عملی و مؤثر برای مشتری قابل اجرا باشد و معاملات الکترونیکی امن‌تر شود.

بند دوم. مبنای حق انصراف در قراردادهای الکترونیکی

حق انصراف به مشتری امکان می‌دهد بدون ارائه دلیل مشخص و در بازه زمانی معین، از قرارداد منعقد شده با فروشنده یا ارائه‌دهنده خدمات منصرف شود. در قراردادهای الکترونیکی، این حق اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا خریدار کالا یا خدمات را بدون مشاهده فیزیکی یا بررسی کامل خریداری می‌کند و ممکن است پس از دریافت، نظر خود را تغییر دهد.اهمیت در قراردادهای الکترونیکی در فضای تجارت الکترونیکی، مصرف‌کننده نمی‌تواند قبل از خرید کالا را لمس یا آزمایش کند. بنابراین، حق انصراف نقش محافظتی دارد و به ایجاد اعتماد در معاملات آنلاین کمک می‌کند. این حق باعث می‌شود مشتری با اطمینان بیشتری اقدام به خرید کند و از ریسک خرید غیرمطلوب کاهش یابد. مبنای حقوقی حق انصراف مبتنی بر اصول حمایت از مصرف‌کننده و شفافیت اطلاعاتی است. در ایران، قوانین مرتبط با تجارت الکترونیکی و حمایت از مصرف‌کننده بر این موضوع تأکید دارند. هدف قانونگذار، تضمین عدالت بین فروشنده و مشتری و جلوگیری از سوءاستفاده در قراردادهای آنلاین است.وظایف فروشنده قبل از عقد قراردادفروشنده موظف است اطلاعات کامل و شفافی درباره کالا، خدمات، قیمت، شرایط تحویل و حق انصراف ارائه دهد. اطلاع‌رسانی شفاف باعث می‌شود مشتری با آگاهی کامل قرارداد را بپذیرد و از حقوق خود در صورت نیاز به انصراف آگاه باشد.

یکی از اصول اساسی مبنای حقوقی حق انصراف، حمایت از مصرف‌کننده است. در خریدهای الکترونیکی یا از راه دور، مشتری کالا یا خدمات را بدون امکان بررسی فیزیکی دریافت می‌کند و ممکن است پس از تحویل از خرید خود منصرف شود. قانون‌گذار با اعطای این حق، تلاش می‌کند از حقوق مصرف‌کننده در برابر خریدهای غیرمطلوب یا فریبنده محافظت کند و اعتماد عمومی به معاملات آنلاین را افزایش دهد.

۱. اصل شفافیت اطلاعاتی، حق انصراف بر اصل شفافیت اطلاعاتی استوار است. فروشنده موظف است قبل از عقد قرارداد، اطلاعات کامل و صحیح درباره کالا یا خدمات، قیمت، شرایط تحویل و امکان انصراف ارائه دهد. این الزام قانونی، زمینه تصمیم‌گیری آگاهانه مشتری را فراهم می‌کند و هرگونه قرارداد مبهم یا فریبنده را محدود می‌سازد.

۲.مقررات ملی و بین‌المللی در ایران، حق انصراف در قالب قانون تجارت الکترونیکی و قوانین حمایت از مصرف‌کننده پیش‌بینی شده است. همچنین در سطح بین‌المللی، قوانین اتحادیه اروپا

و کنوانسیون‌های حمایت از مصرف‌کننده نیز بر این حق تأکید دارند. این قوانین، چارچوب زمانی، نحوه اعمال و مسئولیت‌های فروشنده را مشخص می‌کنند و باعث ایجاد استانداردهای واحد در معاملات آنلاین می‌شوند.

۳. توازن منافع طرفین مبنای حقوقی حق انصراف همچنین بر حفظ توازن منافع مشتری و فروشنده تأکید دارد. این حق نباید به گونه‌ای باشد که حقوق فروشنده به طور نامعقول تضییع شود، مثلاً کالاهای مصرف شده یا بازشده از این حق مستثنی هستند. قانون تلاش می‌کند بین آزادی مشتری در انصراف و حفظ حقوق فروشنده در معاملات، تعادل برقرار کند تا سیستم حقوقی عادلانه و قابل اجرا باقی بماند.

بند سوم. حق انصراف در قراردادهای الکترونیک

یکی از شرایط اختصاصی قراردادهای الکترونیکی که در قانون تجارت الکترونیکی در زمره حقوق مصرف کننده وضع شده، حق فسخی با مهلت هفت روزه برای مصرف کننده است. در ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی ایران آمده: «در هر معامله از راه دور، مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری وقت برای انصراف (حق انصراف)[1] از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده، هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود.» ماده مذکور، مقتبس از ماده ۶ «دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره حمایت از مصرف کننده در قراردادهای از راه دور مصوب ۱۹۹۷»[2] است. در ماده ۶ «دستورالعمل اتحادیه اروپا راجع به بازاریابی از راه دور خدمات مالی مصرف کننده مصوب ۲۰۰۲»[3] چنین آمده است: «کشورهای عضو، باید اطمینان حاصل نمایند که مصرف کننده حداقل ۱۴ روز کاری برای انصراف از قرارداد، بدون پرداخت جریمه یا ارائه دلیل، داشته باشد. در قراردادهای بیمه عمر که مشمول دستورالعمل شماره EEC/90/619 بودند، آن زمان به ۳۰ روز

1. right of withdrawal

2. Directive 97/7/EC of the European parliament and of the Council of 20 may 1997 on the Protection of consumers in respect of Distance Contracts. OJ 1997, L 144/19 <http://eur-lex.europa.eu.

3. Directive 2002/65/EC of the European Parliament and of the Council of 23 September 2002 concerning the Distance Marketing of Consumer Financial Services and Amending Council Directive 90/619/EEC and Directives 97/7/EC and 98/27/EC. <http://eurlex. europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32002L0065:EN: NOT> دستورالعمل مذکور، EEC/90/619 و 97/7/EC 98/27 را اصلاح و تجدیدنظر می کند.

کاری افزایش می یابد.» حق انصراف در «دستورالعمل پیشنهادی اتحادیه اروپا درباره حقوق مصرف کننده » (بروکسل- ۲۰۰۸)[1] مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است (مواد ۱۹- ۱۲ دستورالعمل). در این دستورالعمل پیشنهادی، مدت زمانی که برای انصراف از قرارداد به مصرف کننده داده شده است، ۱۲ روز کاری است (پاراگراف ۱ ماده ۱۲ دستورالعمل).

با توجه به عمومیت حکم ماده ۳۷ ق.ت.ا. در هر معامله در فضای الکترونیکی، اعم از آنکه در زمره عقود معین باشد یا غیرمعین، خریدار کالا یا خدمات می تواند آن را ظرف مدت ۷ روز کاری فسخ نماید؛ حتی اگر قرارداد مزبور در زمره عقود معین بوده و حق فسخ طرفین در عقد مزبور دارای احکام اختصاصی باشد.

در قواعد حقوق داخلی، در معاملات و عقود، اصل بر لزوم عقود است و ماده ۳۹۶ ق.م. به نحوه خاص، خیاراتی را برای حفظ حقوق طرفین معامله پذیرفته است. البته طبق ماده ۴۴۸ ق.م. سقوط همه یا برخی از خیارات، حین عقد پذیرفته شده است. این امر حتی در فرضی که به نحو خاص حسب شرایط و اوضاع و احوال قرارداد، طرفین معامله، اختیار فسخ دارند، مصداق دارد ولی در این فرض هم می توان از اصل لزوم، حمایت و کلیه خیارات را ساقط کرد.[2]

حال آنکه ماده ۳۷ ق.ت.ا. نوعی حق فسخ کلی را بی هیچ دلیل و مبنایی و فقط به لحاظ آنکه نوع معامله از سنخ معامله از راه دور است، برای حداقل ۷ روز کاری به رسمیت شناخته است. اعمال این حق، در واقع پذیرش یک خیار کلی برای فسخ معاملات از راه دور است که به نوعی مغایر قواعد عمومی به ویژه اصل لزوم است. حقوقدانان معمولاً در استناد به خیارات، قاعده لاضرر را مورد توجه قرار می دهند، حال آنکه ماده ۳۷ در عمل به معنای جایز بودن کلیه معاملات از راه دور برای حداقل ۷ روز کاری است. از همه مهمتر اینکه، ظاهراً ماده ۴۶ ق.ت.ا. بیانگر این است که حکم مندرج در ماده ۳۷، حکمی امری و جزء تکالیف قانونی است و اسقاط این حق، جایز نیست و حکم کلی خیار فسخ در معاملات از راه دور به نحو الزامی تا پایان زمان آن، یعنی ۷ روز کاری وجود

1. Proposal for a Directive of the European Parliament and of the Councilon Consumer Rights, Brussels, 8.10.2008 COM(2008) 614 final, 2008/0196 (COD)<http://ec.europa.eu/consumers/rights/docs/Directive_final_EN.pdf>

۲. باقری اصل،حیدر پیشین ،۱۳۹۸،ص ۹۳

دارد و توافق طرفین برخلاف آن، پذیرفته نیست. حال آنکه، این امر با قواعد عمومی خیارات مندرج در قانون مدنی و احکام معاملات در فقه امامیه انطباق ندارد. از این حیث، حق فسخ مذکور در موقعیتی برتر از خیارات معهود در فقه و قانون مدنی قرار گرفته است.

قانونگذار، این حق را تنها برای مصرف کننده نه برای طرفین معامله، به رسمیت شناخته است. بنابراین از جهت ذی حق، محدودتر از خیار مجلس است زیرا خیار مجلس برای طرفین بیع پیش بینی شده است اما از جهت موضوع، اعم از خیار مجلس است زیرا آن را ویژه بیع نکرده، بلکه در هر معامله از راه دوری قابل اجراست.[۱]

بنابراین در حقوق ایران، تفاوت خیار مجلس در بیع الکترونیک با حق انصراف این است که:

- حق انصرف در کلیه معاملات از راه دور وجود دارد، در حالی که خیار مجلس، مختص عقد بیع است.

- حق انصراف، مختص مصرف کننده (خریدار) است، در حالی که خیار مجلس برای طرفین وجود دارد.

- حق انصراف، جزء قواعد آمره است لذا طرفین نمی توانند آن را اسقاط کنند (ماده ۴۶ ق.ت.ا.) در حالی که به استناد ماده ۴۴۸ ق.م. سقوط خیار مجلس را می توان ضمن عقد شرط کرد.

- شروع اعمال حق انصراف در صورت فروش کالا از تاریخ تسلیم کالا به مصرف کننده و در صورت فروش خدمات، از روز انعقاد عقد است (پاراگراف «الف» ماده ۳۸ ق.ت.ا.) ولی شروع خیار مجلس از روز انعقاد عقد، فی المجلس است.

- آغاز اعمال حق انصراف مصرف کننده پس از ارائه اطلاعاتی است که در بستر مبادلات الکترونیکی ضرورت دارد و در مواد ۳۳ و ۳۴ ق.ت.ا. شماره شده اند (پاراگراف «ب» ماده ۳۸ ق.ت.ا.) لیکن اعمال خیار مجلس موکول به ذکر ریز جزئیات معامله نیست.

با توجه به اینکه در جریانِ معامله الکترونیکی، خریدار عموماً تا پیش از پرداختِ وجه، قادر به دیدنِ کالا نیست، لذا قانونگذار در جهت حمایت از او قائل به حق انصراف گردیده است. ذیلاً به بررسی این حق می پردازیم.

---

۱. رضایی، علی ۱۳۸۷، حقوق تجارت الکترونیک، نشر میزان، تهران ص ۷۵

گفتار پنجم. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خیارات در انحلال قراردادهای اداری الکترونیکی در نظام حقوقی ایران انجام شد. انحلال قرارداد به‌عنوان یکی از مباحث بنیادین حقوق مدنی، همواره در جهت حفظ تعادل و عدالت قراردادی میان طرفین نقش مهمی ایفا کرده است. در قراردادهای اداری الکترونیکی نیز، هرچند شکل و بستر انعقاد تغییر یافته و بسیاری از تعاملات در فضای مجازی و از طریق واسطه‌های الکترونیکی انجام می‌گیرد، اما مبانی نظری و اصول حقوقی حاکم بر انحلال قرارداد همچنان از قواعد عمومی قراردادها تبعیت می‌کند.

فسخ قراردادهای اداری در نظام حقوقی قراردادهای دولتی متفاوت از قراردادهای خصوصی می باشد . خصیصه دو جانبنه قراردادهای اداری و از جمله مهمترین آنها ، شرایط عمومی پیمان که در گسترده ترین شکل ممکن در کشور مورد استفاده قرارمی گیرد ، اصولی که به یک معنا چیزی به جز فاصله گرفتن از اصول بنیادین قراردادهای خصوصی یعنی اصل حاکمیت اراده ، اصل نسبی بودن ، اصل لزوم و اصاله الصحه نیستند و تفاوت اصلی قراردادهای دولتی از قراردادهای خصوصی را به خوبی تعیین و توصیه می نماید.محصول این مطالعه نشان می دهد قراردادهای الکترونیکی دولتی علیرغم حفظ بنیان های سنتی خود به مثابه یک توافق میان طرفین قرارداد و تبعیت از اصول عام قراردادها ، دارای ویژگیها و اوصافی هستند که آنها را از قراردادهای عام متمایز نموده و قواعدی بر آنها حاکم است که استثنا ء بر اصول و قواعد عام حاکم بر قرارداد های خصوصی است .دشواری شناخت چنین جایگاه خاصی که از دو آبشخور حقوق خصوصی و حقوق عمومی تغذیه می کند ، بطور مشخص می نمایاند که فسخ چنین قراراهایی ، صرف نظر از حاکمیت اصول و قواعد حاکم بر هر قراردادها تابع قواعد خاص و استثنایی است که ناشی از وجود دولت در یک طرف قراردادهای دولتی و تاثیرعنصر حاکمیت و منفعت عمومی در شکل گیری محتوی مناسبات ویژه در قراردادهای دولتی است . فسخ پیمان یا بخاطر کوتاهی و عدم ایفای تعهدات پیمانکار است که موارد آن در ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان آمده است ودستگاه دولتی برای جلوگیری از طولانی شدن پروژه وتحمیل زیانهای مالی و اجتماعی و پاسخگویی در برابر نهادهای نظارتی از آن استفاده می کند ویا بنا به مصلحت دستگاه دولتی است بدون اینکه پیمانکار تقصییرداشته باشد، میتواند بر اساس

ماده ۴۸ شرایط عمومی به پیمان خاتمه دهد که به تفصیل در مورد آن بحث شده است . از طرفی شناساندن قوانین و مقرراتی که جنبه آمره و تکلیفی برای دستگاههای دولتی دارند و احصاء آنها و شناخت اصول کلی حاکم بر قراردادهای دولتی می تواند در تداوم(لزوم) یک قرارداد دولتی موثر باشد و چه بسا از فسخ آن جلوگیری بعمل آورد.و این مهم به تامین نیازمندیهای عمومی که هدف عمده قراردادهای دولتی است کمک خواهد کرد که در این تحقیق بدان پرداخته است.

در حقوق ایران، اسباب انحلال عقد را می‌توان در سه دسته‌ی اصلی اقاله، فسخ و انفساخ جای داد. از میان آن‌ها، فسخ بیشترین پیوند را با نهاد خیارات دارد؛ زیرا خیار، اختیار قانونی یا قراردادی برای برهم زدن عقد لازم است که در صورت تحقق شرایط خاص، به یکی از طرفین یا هر دو داده می‌شود. در قراردادهای الکترونیکی نیز، طرفین ممکن است به دلایل مختلفی از جمله وجود عیب در کالا یا تخلف از شرط یا تدلیس در معرفی محصول، خواهان برهم زدن عقد باشند. بنابراین، شناخت و تحلیل نحوه‌ی اجرای خیارات در این بستر، به‌ویژه در پرتو قانون تجارت الکترونیکی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق آن است که **اکثر خیارات سنتی فقهی و حقوقی در قراردادهای الکترونیکی نیز قابل اعمال هستند**، اگرچه نحوه‌ی تحقق و اعمال آن‌ها ممکن است به‌واسطه‌ی ویژگی‌های محیط دیجیتال تغییر یابد. برای نمونه، خیار عیب در معاملات اینترنتی هنگامی مصداق دارد که کالا یا خدمت تحویلی با اوصاف اعلامی در وب‌سایت فروشنده منطبق نباشد. این نوع عدم تطابق، در واقع مصداق بارز عیب یا تدلیس است که به موجب مواد ۴۲۲ و ۴۳۸ قانون مدنی، موجب ایجاد حق فسخ برای خریدار می‌شود. از سوی دیگر، خیار تخلف شرط نیز زمانی به میان می‌آید که فروشنده یا ارائه‌دهنده‌ی خدمت به تعهدات خود مطابق شرایط مندرج در سامانه یا پلتفرم پایبند نماند.

در مقابل، برخی از خیارات به دلیل ویژگی‌های خاص محیط الکترونیکی **عملاً کاربرد خود را از دست داده‌اند**. برای مثال، خیار مجلس که بر پایه‌ی حضور فیزیکی طرفین در یک مجلس عقد استوار است، در فضای الکترونیکی مصداق مشخصی ندارد؛ زیرا مجلس در اینجا به مفهوم فیزیکی وجود ندارد و ارتباط معمولاً از طریق سامانه‌های خودکار یا قراردادهای کلیک‌پذیر انجام می‌شود.

با این حال، برخی حقوقدانان با تفسیر موسع از مفهوم مجلس، تلاش کرده‌اند مجلس عقد را به «زمان برقراری ارتباط الکترونیکی تا نهایی شدن معامله» تعبیر کنند، ولی چنین دیدگاهی هنوز در رویه‌ی قضایی تثبیت نشده است.

از دستاوردهای مهم قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۲)، پیش‌بینی **حق انصراف مصرف‌کننده** در ماده ۳۷ است که به او اجازه می‌دهد ظرف هفت روز از تاریخ تسلیم کالا یا انعقاد قرارداد، بدون تحمل هیچ هزینه‌ای، از معامله منصرف شود. این حق، در واقع نوعی «خیار قانونی ویژه» محسوب می‌شود که در راستای حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد (مصرف‌کننده) پیش‌بینی شده است. ماهیت این حق، اگرچه با خیارات سنتی تفاوت‌هایی دارد، اما از لحاظ آثار و کارکرد، مشابه حق فسخ در نتیجه‌ی خیار است و در چارچوب نظریه‌ی انحلال قرارداد قابل تحلیل می‌باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، **کارکرد خیارات در قراردادهای اداری الکترونیکی دو جنبه‌ی اصلی دارد**:

۱. حفظ توازن قراردادی و پیشگیری از سوءاستفاده در روابط غیرحضوری،
۲. تضمین اعتماد عمومی به معاملات دیجیتال از طریق اعطای حق انحلال به زیان‌دیده.

با توجه به سرعت و گستردگی معاملات الکترونیکی، تحقق این اهداف مستلزم شفافیت در اعلام شرایط معامله، امکان اثبات الکترونیکی وقایع (مانند ارائه‌ی رسید دیجیتال، ثبت تاریخ و زمان انعقاد قرارداد)، و تدوین رویه‌ی قضایی مشخص در زمینه‌ی اعمال خیارات است.

از سوی دیگر، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در نظام‌های حقوقی پیشرفته، نهادهایی مشابه خیارات در قالب «حق بازگشت کالا» یا «حق فسخ بدون دلیل» برای حمایت از مصرف‌کننده پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین، حقوق ایران نیز با پذیرش نهادهایی چون حق انصراف و امکان اقاله‌ی الکترونیکی، در مسیر همگرایی با نظام‌های مدرن گام برداشته است، هرچند هنوز نیاز به اصلاح و تبیین دقیق‌تر مفاهیمی چون فسخ الکترونیکی، زمان اعلام اراده‌ی فسخ، و نحوه‌ی اثبات تدلیس دیجیتال احساس می‌شود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که خیارات در قراردادهای الکترونیکی **نه‌تنها کارکرد خود را از دست نداده‌اند، بلکه با توسعه‌ی فضای تجارت دیجیتال، اهمیت و ضرورت آن‌ها بیشتر نیز شده است**. این نهادها به‌عنوان ابزارهایی برای کنترل عدم تعادل در معاملات غیرحضوری، تضمین‌کننده‌ی

امنیت حقوقی و اقتصادی در فضای مجازی هستند. با این حال، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح و تکمیل مقررات مربوط، به‌ویژه از طریق افزودن مواد تفسیری در قانون تجارت الکترونیکی و پیش‌بینی مقررات خاص درباره‌ی خیارهای قابل اعمال در قراردادهای دیجیتال، بستر حقوقی منسجم‌تر و شفاف‌تری را فراهم سازد.

به طور خلاصه، پژوهش حاضر نشان داد که:

۱. اصول کلی انحلال قرارداد در فضای الکترونیکی با قراردادهای سنتی یکسان است.
۲. خیارات سنتی، به‌ویژه خیار عیب، تدلیس و تخلف شرط، در معاملات الکترونیکی کاربرد گسترده دارند.
۳. برخی خیارات مانند خیار مجلس و خیار حیوان عملاً منتفی یا فاقد موضوع هستند.
۴. حق انصراف مقرر در قانون تجارت الکترونیکی را می‌توان به‌عنوان خیار قانونی ویژه‌ی مصرف‌کننده دانست.
۵. برای تحقق کامل عدالت قراردادی در فضای دیجیتال، لازم است زیرساخت‌های فنی و حقوقی برای اعمال و اثبات خیارات به‌صورت الکترونیکی فراهم گردد.

بنابراین، انطباق نهادهای سنتی حقوق مدنی ایران با تحولات فناوری نه تنها ممکن، بلکه ضروری است. خیارات با حفظ ماهیت کلاسیک خود، توانسته‌اند در فضای مجازی نیز ابزار مؤثری برای تضمین عدالت، اعتماد و کارآمدی قراردادها باقی بمانند.

منابع

۱. آل کاشف الغطاء، علی بن جعفر؛(بیتا)، رساله فی الخیارات، چاپ سنگی، بی جا، شیخ احمد شیرازی

۲. ابهری،حمید،محمدی ، سام،افچنگی،زینب،۱۳۹۳اعتبار شرط انفساخ و شرایط تحقق آن در حقوق ایران و فقه امامیه

۳. اسدی نژاد، سید محمد و بهارلو قره بلطاقی، جواد؛(۱۳۹۰)، شرط فاسخ، نشر راه تهران

۴. باقری اصل، حیدر،انحلال قراردادهای خیاری،۱۳۹۸انتشارات مجد،چاپ اول ، ، تهران

۵. باقری اصل، حیدر،۱۳۹۱احکام عمومی فسخ عقود لازم،انتشارات تبریز،تبریز،چاپ اول،

۶. حبیب زاده، طاهر؛(۱۳۸۶)، تحقق تدلیس در انعقاد قراردادهای الکترونیکی ، نشر راه

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛(۱۳۸۸)، دائره المعارف عمومی حقوق مدنی و تجارت، حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات،

۸. - شهیدی، مهدی؛(۱۳۸۲)، اصول قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول،

۹. رضایی، علی ۱۳۸۷.، حقوق تجارت الکترونیک،نشر میزان، تهران

۱۰. دهخدا، علی اکبر؛(۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا ، جلد ۱۰ .تهران

۱۱. صفایی، سیدحسین(۱۳۸۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی ، میزان، تهران

۱۲.کاتوزیان،ناصر؛(۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع ، تهران

۱۳. -کاتوزیان، ناصر؛(۱۳۷۶)، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، میزان ، تهران

1. Brussels, 8.10.2008 COM(2008) 614 final, 2008/0196 (COD)<http://ec.europa.eu/consumers/rights/docs/Directive_final_EN.pdf>

2. Directive 97/7/EC of the European parliament and of the Council of 20may 1997 on the Protection of consumers in respect of Distance Contracts. OJ 1997, L 144/19 <http://eur-lex.europa.eu.

3.Directives97/7/ECand98/27/EC.<http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32002L0065:EN:NOT>

4. Proposal for a Directive of the European Parliament and of the Councilon Consumer Rights,

Options for Termination (or Rescission) in the Dissolution of Electronic Contracts within Iran's Administrative Law System

Hassan Amirghasemi[1]
Ahmad Yosefi Sadeghloo[2]
Mojtaba Asgharyan[3]

Abstract

Contract dissolution terminates a valid contractual relationship via mutual agreement, unilateral will, or law, unlike nullity where no valid contract ever forms. In Iranian administrative law, while following general contract rules, the dissolution of administrative contracts is distinct due to the public entity's involvement and the need to safeguard public interest. This extends to electronic administrative contracts, governed by traditional principles and the 2003 Electronic Commerce Law."Khiyarat" (termination options) are key grounds for rescission. While some traditional options like Khiyar-e Majlis (option of session) are less practical online, others -such as options for defect, deception, breach of condition, and breach of description- are increasingly relevant in digital contexts reliant on data and digital trust. The seven-day right of withdrawal (Article 37) is a modern protective legal option.However, applying Khiyarat electronically faces challenges: proving defects or deception digitally, the alterability of online content, and defining virtual contract terms. Their legal nature remains, but implementation requires adapting to digital technologies. Ultimately, Khiyarat are vital for contractual balance in e-administrative contracts, with innovations like the withdrawal right helping converge traditional jurisprudence with modern e-commerce and administrative law needs.

KeyWords: Electronic Contract; Rescission; Administrative; Termination

1. Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran, hassan.amirghasemi@iau.ir

2. Assistant Professor, Department of Law, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, yousefi@srbiau.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Law, Kharazmi University, Tehran, Iran, asgharian@khu.ac.ir